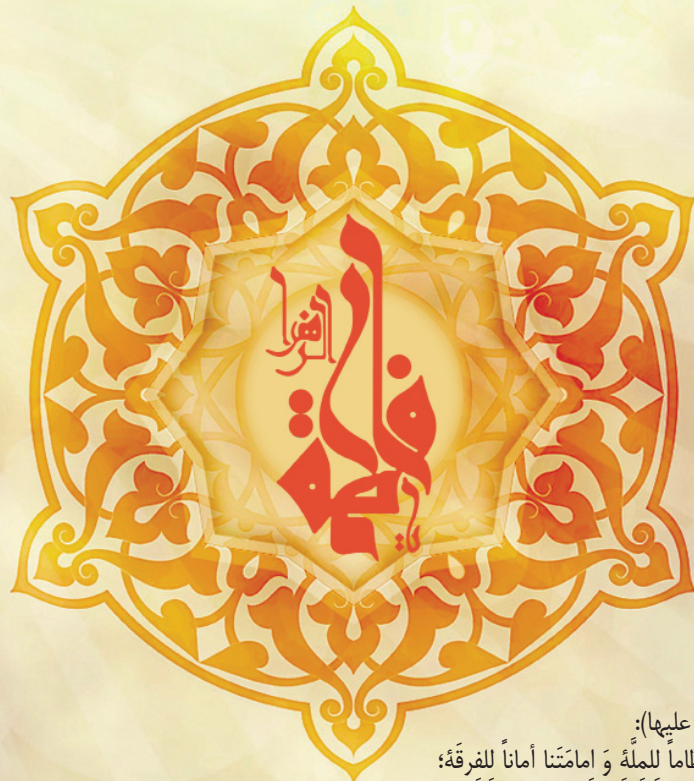




جای خالی و وظیفه سنگین
اخبار کانون مرکز و استان‌ها
فعالیت در کانون، همیشه از آرزوهای اینجانب بوده است - مصاحبه
دیدار بیست و هفتم
گزارش سفر اعضای کانون سنگر سازان به قزوین
گزارش ششمین همایش سنگر سازان بی سنگر استان اصفهان در شهر کاشان
برگزاری همایش یکصد شهید جهادگر استان همدان
جلسه اعضای کانون مرکز با مسئولین کانون‌های استان زنجان، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی
برگزاری همایش یاران خورشید - ایثارگران جهاد مازندران

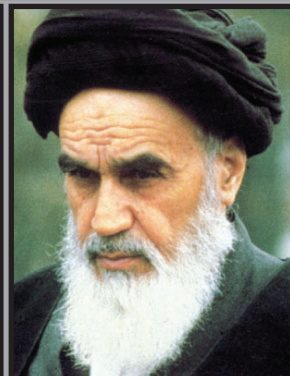


حضرت زهرا (سلام الله علیها):
فَجْعَلِ اللَّهُ ... إِطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ؛

خداوند، اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی، و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است.

(بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸)

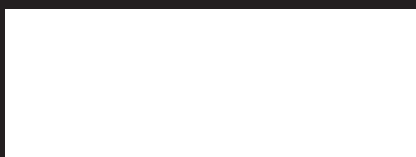
دانشجوه‌های عزیز، متخصصین، مهندسين، بازاریان، کشاورزان و همه قشرهای ملت، داوطلبند تا ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده را بسازند. از این جهت باید ما این جهاد را به «سازندگی» موسوم کنیم.



در این دنیا خیلی باید هوشیار بود؛ البته مقابله با این ظلم و زور، بانقلاب و بی‌نقاب و همه چورش، صرفاً منحصر نیست در آمادگی‌های نظامی؛ مهم‌تر از آمادگی‌های نظامی، آمادگی‌های معنوی است، آمادگی‌های روحی است، قدرت عزم یک ملت است، توان ایستادگی ملتی است که بتواند در مقابل این تندبادهای بایستد.

بیانات در دیدار با فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی - ۸۹/۰۱/۲۲





فهرست

- | | |
|----|--|
| ۴ | جای خالی و وظیفه سنگین - سرمقاله |
| ۵ | اخبار کانون مرکز و استان‌ها |
| ۶ | فعالیت در کانون، همیشه از آرزوهای اینجانب بوده است - مصاحبه |
| ۸ | دیدار بیست و هفتم |
| ۱۰ | گزارش سفر اعضای کانون به قزوین |
| ۱۲ | گزارش ششمین همایش سنگرسازان بی سنگر استان اصفهان در شهر کاشان |
| ۱۴ | برگزاری همایش یکصد شهید جهادگر استان همدان |
| ۱۶ | سفر اعضای کانون مرکز به استان‌های زنجان، آذربایجان غربی و شرقی |
| ۱۹ | برگزاری همایش یاران خورشید - ایثارگران جهاد مازندران |

برادر ارجمند جناب آقای سیدجواد میرشفیعیان، درگذشت پدر گرامی‌تان را خدمت جناب‌عالی و خانواده محترم تسلیت گفته و از خداوند متعال می‌خواهیم این پدر شهید را مهمان اهل بیت (علیهم‌السلام) و علی‌الخصوص حضرت اباعبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) قرار دهد.

درگذشت والدۀ محترمۀ جناب آقای فریدون موحدنیا، از اعضای هیئت‌مدیرۀ کانون سنگرسازان بی‌سنگر آذربایجان شرقی را خدمت خانواده محترم ایشان تسلیت گفته و از خداوند متعال برای آن مرحومه، مغفرت و برای بازماندگان، صبر و شکیبایی خواستاریم.

خبرنامه کانون سنگرسازان بی سنگر

تاریخ انتشار:

اردیبهشت ۱۳۸۹ - شماره ۴۶

سردبیر:

حسینعلی عظیمی

مدیر اجرایی:

سیدمحمد رضا سجادی

ویراستار:

سیامک عظیمی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

دفتر خدمات تکنولوژی آموزشی - نشر آموزش کشاورزی

نشانی:

بلوار کشاورز، خیابان شهید دائمی، نبش کوچه شهید

طباطبایی رفیعی، پلاک ۴۹

کد پستی:

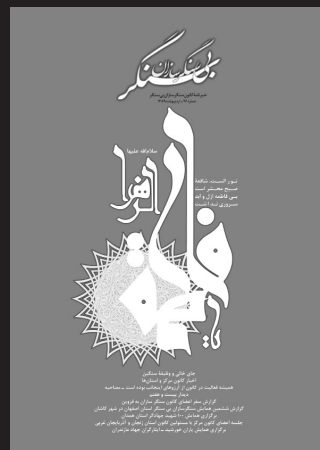
۱۴۱۵۶۴۳۸۶۳

تلفکس:

۸۸۹۹۳۹۸۸، ۸۸۹۶۱۳۹۹، ۸۸۹۶۱۳۷۷

پست الکترونیکی کانون سنگرسازان بی سنگر:

ksb1383@gmail.com





جای خالی و وظیفه‌ی سنگین

سر مقاله - حسینعلی عظیمی

عملیات‌ها، احداث پل‌های زیاد در زیر آتش دشمن، آن‌همه دستاوردهای حیرت‌انگیز در مراکز تحقیقاتی و تربیت و آموزش شگفت‌انگیز نیروهای مدیر و کارآمد، همه و همه نشان‌دهنده‌ی این حقیقت است که:

هر کجا عشق آید و ساکن شود،

هر چه ناممکن بود ممکن شود.

ولی مهم‌تر از همه‌ی دستاوردهای فوق، خود آن تشکیلات شگفت‌انگیز بود که با کمال تأسف، همراه با بسیاری از نیروهای فداکار، متواضع و بی‌ادعای جبهه‌ها، حدود بیست سال قبل، تکه‌تکه شد و به خانه‌ها رفت. حقیقت این است که آن سازمان، یک دستاورد گران‌قدر نرم‌افزاری برای انقلاب اسلامی و حاصل هدایای الهی به قلب خونین هزاران جهادگر شهید جبهه‌های جنگ بود که بدون ضبط و ثبت، تنها در سینه‌ی فداکاران بی‌ادعای مهندسی جنگ جهاد، محدود شده است. این دستاورد، به قیمتی حاصل شده که پرداخت آن برای نسل‌های بعدی، به‌راحتی مقدور نیست.

امروز بار دیگر، تحریم‌های ظالمانه‌ی دنیای استکبار، نیازهای بی‌پایان به فناوری‌های نو به منظور ایجاد قدرت رقابت با شرق و غرب، خلأ الگوسازی‌های جهش‌آفرین در آموزش کارآفرینان و مدیران و ضرورت حل مشکلات واقعی اقتصاد کشور، یک عرصه‌ی نبرد بی‌امان اقتصادی را به ما تحمیل کرده است. در این عرصه، نیاز جدی به یک سازمان مبتنی بر دو پایه‌ی نیروی جهادی و سازمان جهادی، احساس می‌شود.

نسل جوان و متعهد، تشنه‌ی این حرکت است ولی نمی‌داند که چارچوب و فرهنگ سازمانی آن، چگونه است. نسل جوان و انقلابی کشور، بی‌وقفه در حال سعی و خطا در این عرصه است و در این پراکنده‌بازار، چه عمرها که تلف نمی‌شود، چه منابعی که بر باد نمی‌رود و چه دل‌ها که خسته و مأیوس نمی‌شوند؛ ولی تا کی باید صبر کرد و در گنجینه‌ی تجربیات و سازمان پ.م.ج. را بر روی این جوانان عاشق، بسته نگه داشت؟ این، وظیفه‌ی تعریف‌شده و سنگین کانون سگرسازان بی‌سنگر است که در قالب برنامه‌های خود، میراث و تجربیات هزاران جهادگر شهید در امر سازماندهی، مدیریت و ... را به نسل جوان ارائه نماید.

درست است که فروتنی و گذشت یک مسلمان مؤمن، باهمت و تلاشگر که از پشتوانه‌ی علم و کاردانی برخوردار بوده و عشق خدمت به مردم را دارد، باعث جمع‌شدن دیگران به دور او شده و چنین شخصی، انسان پُرازشی است و یاد جهادی‌ها و شهدای سگرساز بی‌سنگر را زنده می‌کند، ولی جمع جهادی‌ها و چارچوب سازمانی‌یی که تا سال ۱۳۶۸ در جهاد وجود داشت، چیز دیگری بود. سازمانی که ارزش‌های فوق در آن نهادینه شده و «ماهی»های جهادی بتوانند در «دریا»ی آن شنا کنند، به خودی خود، گوهر گرانبهایی است. تأکیدات مقام معظم رهبری بر همت، تلاش و تقویت روحیه‌ی استقلالی و راه‌حل‌های منطبق با فرهنگ اسلامی، جهادگران نسل اول انقلاب را بی‌اختیار به یاد تشکیلات و نیروهای پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و سگرسازان بی‌سنگر می‌اندازد.

برای شکوفاشدن استعدادهای جوانان جهادی و بهره‌گرفتن از آن در جهت حل معضلات اقتصادی امروز کشور، نیاز شدیدی به یک سازمان جهادی مشابه با «جهاد سازندگی» در سال‌های اول تأسیس (قبل از وزارتخانه‌شدن) و یا سازمان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد، احساس می‌شود؛ سازمانی که در جای‌جای عرصه‌ی نبرد دفاع مقدس و دوش به دوش رزمندگان، به صورت گمنام، فداکار، مؤثر و موفق، سخت‌ترین کارها را سازمان داد و به انجام رساند. نسل جهادی جدید کشور، نمی‌داند که پ.م.ج. یک نیروی مهندسی - رزمی بود که در کنار و حتی گاهی جلوتر از دو نیروی دیگر (ارتش و سپاه)، سال‌ها در جبهه خدمت کرد. البته این خدمت، رزمی و تخریبی نبوده و در قالب‌های فنی و سازندگی بود.

این تشکیلات، با سازمانی نبوغ‌آسا، حول محور عشق، با همت مضاعف، شجاع در تصمیم‌گیری، دارای اخلاص و تواضع در عمل، توانمند در جذب و استفاده از همه‌ی نیروهای فعال و دانشمند کشور و نیز کارایی، بهره‌وری و سرعت بالا، کارهایی را انجام داد که از هیچ سازمان دیگری ساخته نبود.

موفقیت‌های بی‌درپی سگرسازان بی‌سنگر در صحنه‌ی دفاع مقدس، احداث خاکریزهای حساب‌شده‌ی متصل به هم در

خبرنامه

۴

کانون سگرسازان

شماره ۴۶

برای شکوفاشدن استعدادهای جوانان جهادی و بهره‌گرفتن از آن در جهت حل معضلات اقتصادی امروز کشور، نیاز شدیدی به یک سازمان جهادی مشابه با «پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی» احساس می‌شود.



اخبار کانون سنگر سازان بی سنگر

انتصاب معاونت اجرایی کانون

طی حکمی از طرف مدیرعامل کانون سنگر سازان بی سنگر، جناب آقای «سیدجواد میرشفیعیان» به سمت معاونت اجرایی کانون منصوب شد. متن این حکم بدین شرح می باشد:

«برادر گرامی، جناب آقای مهندس سیدجواد میرشفیعیان، عضو محترم هیئت امنای کانون سنگر سازان بی سنگر مرکز؛ سلام علیکم،

احتراماً، با توجه به سوابق و تسلط جناب عالی بر امور اجرایی و شئون کانون، به موجب این حکم، جناب عالی به عنوان معاونت اجرایی کانون سنگر سازان بی سنگر منصوب می شوید. امیدوارم در هدایت بهتر امور محوله در کانون، همواره توفیقات الهی پشتیبان شما باشد.»

انتصاب قائم مقام در مؤسسه فرهنگی

با توجه به پایان مراحل ثبت مؤسسه فرهنگی «سنگر سازان بی سنگر» به مدیرعاملی آقای مهندس حسینعلی عظیمی، طی حکمی از طرف ایشان، آقای «جعفر بلوک آذری» به سمت قائم مقامی مدیرعامل در این مؤسسه منصوب شد. متن حکم بدین شرح می باشد:

«احتراماً، نظر به تعهد، تخصص، تجربه، سوابق و فعالیت های ارزنده شما در حوزه های فرهنگی، بدین وسیله جناب عالی به عنوان معاون اجرایی و برنامه ریزی مؤسسه فرهنگی سنگر سازان بی سنگر منصوب می گردید. از خداوند متعال توفیقات الهی برای آن برادر گرامی و دیگر همکاران محترم مؤسسه را مسئلت می نمایم.»

تویخ کتبی مسئولین خبرنامه ی کانون توسط مدیرعامل

شد. متن این نامه بدین شرح می باشد:

احتراماً، با عرض خسته نباشید و تقدیر و تشکر از زحمات جناب عالی و همکاران محترم تان در آن مؤسسه، تقاضا دارم در درج مطالب خبرنامه، به ویژه اخبار، بیش از پیش رعایت انصاف و استقلال را لحاظ فرمایید. به عنوان نمونه، در گزارش درج شده در خبرنامه ی شماره ی ۴۵ در مورد راهیان نور، نقش دفتر امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی که مجری اصلی این طرح بوده، به طور شفاف منعکس نگردیده است. حسینعلی عظیمی، مدیرعامل کانون سنگر سازان بی سنگر

در شماره ی قبلی خبرنامه، گزارشی از حضور جهاد سازندگی در راهیان نور سال ۸۸ ارائه شد. از آن جا که تمام فعالیت های جهاد در راهیان نور، توسط امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی هماهنگ شده بود که متأسفانه این موضوع در گزارش خبرنامه مطرح نشده بود. آقای مهندس عظیمی بر اساس تعهد کانون به امانت داری در مطلب و هم چنین توجه به تلاش برادران جهادی در امور ایثارگران وزارتخانه، با ارسال نامه یی به خبرنامه ی سنگر سازان بی سنگر، خواستار دقت بیشتر در این امور و رعایت اصل امانت داری در مطلب

نامه ی کانون به امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی برای افزایش همکاری ها

طی نامه ی مدیرعامل کانون به مدیرکل امور ایثارگران وزارتخانه، همکاری ها افزایش می یابد. این نامه بدین شرح است:

برادر گرامی، جناب آقای هدایت الله نواب مشاور محترم وزیر و مدیرکل دفتر امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی

سلام علیکم،

احتراماً، با عرض تقدیر و تشکر از زحمات جناب عالی و همکاران محترم تان در خدمت رسانی به ایثارگران و خانواده های معزز شهدای پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و حفظ یاد و ادامه ی راه ایشان، با عنایت به هم سوئی و همراهی کانون سنگر سازان بی سنگر در این امر مهم و ارزشمند، به منظور بهره وری هر چه بیشتر از نیروها و امکانات موجود، این کانون آمادگی خود را برای همکاری همه جانبه با آن دفتر محترم اعلام نموده و به همین منظور نکاتی چند به عنوان پیشنهاد، خدمت تان ارائه می دارد:

۱- به منظور هماهنگی بیشتر و شناسایی زمینه های همکاری،

۲- حداقل سالانه یک بار جلسه ی مشترک کانون های استان ها و ایثارگران سراسر کشور، برگزار گردد،

۳- با توجه به تغییر کاربری باغ موزه به مرکز فرهنگی سنگر سازان بی سنگر، به منظور فعال نمودن آن، اتخاذ تصمیم گردد،

۴- با توجه به تصویب افزایش مدعوین گردهمایی سالانه ی فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و لزوم افزایش هیئت امنای کانون استان ها و با توجه به ضیق وقت، کارگروه ویژه یی در اسرع وقت تشکیل، تا با هماهنگی هیئت امنای کانون استان ها که همان سیصد و سی نفر مدعوین فعلی می باشند، اسامی جدید جهت دعوت برای گردهمایی سالانه و مجمع عمومی کانون سنگر سازان بی سنگر، استخراج گردد،

۵- پیرو مذاکره ی شفاهی و ارائه ی پیشنهاد قرارداد تهیه ی اطلس مهندسی جنگ، برای تسریع در این امر مهم، راه کار مناسب اتخاذ گردد.

کارگروهی متشکل از برادران آن دفتر و کانون تشکیل گردد،

۲- حداقل سالانه یک بار جلسه ی مشترک کانون های استان ها و ایثارگران سراسر کشور، برگزار گردد،

۳- با توجه به تغییر کاربری باغ موزه به مرکز فرهنگی سنگر سازان بی سنگر، به منظور فعال نمودن آن، اتخاذ تصمیم گردد،

۴- با توجه به تصویب افزایش مدعوین گردهمایی سالانه ی فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و لزوم افزایش هیئت امنای کانون استان ها و با توجه به ضیق وقت، کارگروه ویژه یی در اسرع وقت تشکیل، تا با هماهنگی هیئت امنای کانون استان ها که همان سیصد و سی نفر مدعوین فعلی می باشند، اسامی جدید جهت دعوت برای گردهمایی سالانه و مجمع عمومی کانون سنگر سازان بی سنگر، استخراج گردد،

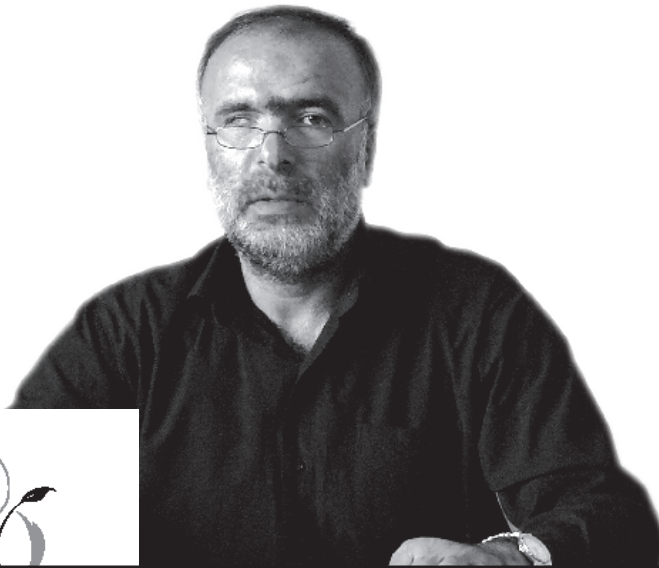
۵- پیرو مذاکره ی شفاهی و ارائه ی پیشنهاد قرارداد تهیه ی اطلس مهندسی جنگ، برای تسریع در این امر مهم، راه کار مناسب اتخاذ گردد.

خبرنامه

۵

کانون سنگر سازان بی سنگر

شماره ۴۶



مصاحبه با آقای مهندس سیدجواد میرشفیعیان، معاونت اجرایی کانون سنجسازان بی‌سنگر

فعالیت در کانون، همیشه از آرزوهای اینجانب بوده است.

از آنجا که جناب آقای مهندس میرشفیعیان به سمت معاونت اجرایی کانون سنجسازان بی‌سنگر منصوب شده، مصاحبه‌یی با ایشان صورت گرفت تا برنامه‌های کانون، بیشتر تشریح گردد.

بعد از یک دوره‌ی طولانی از جنگ، به قرارگاه کربلا رفتم. بعد از آن هم در قرارگاه مرکزی، قرارگاه خاتم‌الانبیاء و ستاد مرکزی پشتیبانی جنگ جهاد حضور داشتم. بعد از جنگ هم فعالیت‌هایم را در جهاد نصر ادامه داده و در نهایت، به فعالیت‌های شخصی پرداختم.

– با توجه به سابقه‌ی طولانی شما در جهاد، در صورت امکان، انگیزه‌ی خود را برای حضور در کانون سنجسازان بی‌سنگر تشریح فرمایید.

کانون سنجسازان بی‌سنگر، در حقیقت یک مجموعه‌ی خانوادگی و بستری است تا بتوانیم تجربیات گذشته‌ی جنگ و یاد و خاطره‌ی جهاد سازندگی ناب را در آن زنده نگه داریم. در حقیقت، کانون تشکیل شده تا ضمن حفظ روحیه‌ی جهادی، بتواند جهاد سازندگی مورد تأکید حضرت امام و آن جهادی که کارآمدی خود را در اوایل انقلاب و علی‌الخصوص دوران دفاع مقدس نشان داده را احیا کند و

– ضمن عرض سلام و تسلیت به مناسبت ایام شهادت مادر بزرگوارتان حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) و هم‌چنین درگذشت پدر بزرگوارتان که یک شهید نیز به انقلاب تقدیم کرده، خواهشمند است ضمن معرفی خود برای مخاطبین خبرنامه، توضیحاتی در خصوص سابقه‌ی جهادی‌تان ارائه فرمایید.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم؛ من، سیدجواد میرشفیعیان، در سال ۱۳۵۹ هجده ساله بودم که جنگ آغاز شد. در آن موقع در هنرستان فنی شهرستان خوانسار تحصیل می‌کردم و با تعدادی از جوانان خوانساری، داوطلب حضور در جبهه شدیم. از خوانسار به جهاد اصفهان پیوسته و از طریق جهاد اصفهان هم در جبهه‌های جنوب حضور یافتیم. پس از سقوط خرمشهر، ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی فارس در آبادان، در مدرسه‌یی به نام محبوبه تشکیل شد و تمام نیروهای مردمی و جهادی، در این ستاد سازماندهی شدند. بنده نیز به عنوان نیروی جهاد فارس به فعالیت ادامه داده و

کانون تشکیل شده تا ضمن حفظ روحیه‌ی جهادی، بتواند جهاد سازندگی مورد تأکید حضرت امام و آن جهادی که کارآمدی خود را در اوایل انقلاب و علی‌الخصوص دوران دفاع مقدس نشان داده را احیا کند.

خبرنامه

۶

کانون سنجسازان بی‌سنگر

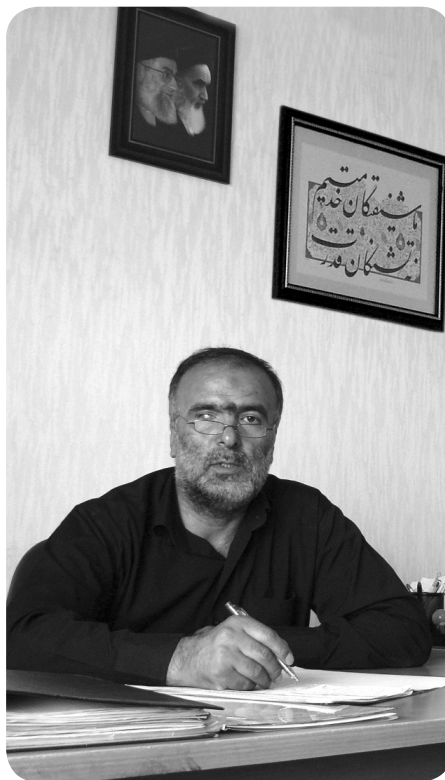
شماره ۴۶



داشتند و همه در کنار هم بودیم. بعد از آن تصمیم گرفتیم که سری به کانون زده و جویای احوال دوستان باشیم. در آن موقع، حاج آقا عظیمی از برنامه‌های کانون گفته و اظهار داشتند که برای رسیدن به اهداف والای کانون، نیاز به همکاری برادران جهادگر دارند و از من خواستند که در کانون حضور یافته و در حقیقت کمک‌حال آقای عظیمی باشم. من هم بر اساس انگیزه‌ی فعالیت در کانون که قبلاً توضیح دادم، از این پیشنهاد استقبال کرده و آماده‌ی خدمت به تمام ایثارگران جهاد و خانواده‌های ایشان و تلاش در راه فرهنگ والا و مرام ابوالفضل‌ی جهاد هستم.

چه فعالیت‌هایی در دست اقدام دارید؟ برنامه‌های مد نظر خود برای پیشبرد اهداف کانون را تشریح بفرمایید.

در حقیقت، کار بر زمین مانده، بسیار زیاد است و ما در کانون با یک فضای بکر مواجه‌ایم که اگر بتوان هر کاری را انجام داد، خدمتی است به سنگرزبان بی‌سنگر با اهداف والایی که داشتند. جمع‌آوری و جامع‌سازی اطلاعات جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس، تدوین و به روز رسانی فرهنگ جهادی، انتقال روحیه‌ی جهادی به نسل جوان، تعریف کارآمد از جهاد در جامعه‌ی امروزی، حل مشکلات ایثارگران و خانواده‌های‌شان و غیره، همه فعالیت‌هایی است که باید در کانون اتفاق بیفتد. هم‌اکنون برای آغاز، پروژه‌ی اطلس مهندسی جنگ جهاد را با هماهنگی و همکاری ایثارگران وزارت جهاد و علی‌الخصوص مدیرکل محترم ایثارگران، برادر ارجمند جناب آقای نواب، آغاز کرده‌ایم. باید گفت از هر کاری که بشود در کانون انجام داد دریغ ندارم؛ چون ما در جهاد سازندگی یاد گرفته‌ایم که برای انجام کارها، منتظر دستور تأیستیم و بدون این که کسی بگوید، کارهای لازم را انجام دهیم. اگر ما به عنوان یک جهادی، این روحیه را به کار نگیریم، هیچ‌گاه نمی‌توان توقع داشت که نسل جوان از آن پیروی کند. بر همین اساس، تمام مواردی را که ذکر کردم جزو برنامه‌های کانون است که به انجام آن‌ها موظف هستیم و باید تلاش خود را برای به ثمر رساندن آن‌ها به کار گیرم.



آن نیروی عظیم، که پایه‌هایش ایمان و ایثار بوده و برگرفته از فرهنگ و مرام حضرت ابوالفضل‌العباس (علیه‌السلام) می‌باشد را در شرایط امروز کشور به کار گیرد. امروز تمام مدیران ارشد کشور، به استفاده از روحیه‌ی جهادی در رفع مشکلات و پیشرفت کشور اذعان دارند، و چه کسانی بهتر از ایثارگران جهاد و عزیزانی که خود از مصداق جهاد و روحیه‌ی جهادی هستند، می‌توانند انتقال‌دهنده‌ی فرهنگ جهادی به نسل جدید باشند.

در حقیقت، تمام اعضای کانون که همه‌ی آن‌ها یادگاران دوران دفاع مقدس هستند به کانون علاقه دارند و آرزوی همه‌ی آن‌ها پیشرفت این مجموعه می‌باشد. من هم به نوبه‌ی خود از زمان تشکیل کانون، این آرزو را در دل داشته و همیشه دوست داشتم در شرایطی قرار بگیرم که بتوانم به آرزوی دیرینه‌ی خود جامه‌ی عمل بپوشانم. بنده بعد از دوران دفاع مقدس، فعالیت‌های مختلفی انجام دادم که خیلی از آن‌ها با بازدهی خوب و مناسب مالی همراه بود اما هیچ‌گاه خودم را از کاری که انجام می‌دادم راضی نمی‌دیدم؛ چون دفاع مقدس برای من و امثال من، ظرفیتی ایجاد کرد که بعد از آن دوران طلایی، هیچ‌گاه از آن استفاده‌ی کامل نشد و خلأ آن را در وجود احساس می‌کردم. ما در دوران خدمت در جهاد در زمان جنگ، مسائلی را دیده و آموخته‌ایم که با هیچ ارزش مادی، قابل مقایسه نیست و هر قدر که برای موفقیت در کارهایی که بعد از جنگ در حال انجام آن بودم تلاش کردم، هیچ‌گاه رضایت

قبل‌ام از کار، برآورده نشد. به همین خاطر هیچ مجموعه‌یی را مانند کانون، نزدیک به آن دوران پُرخطر ندیدم.

من هر موقع که به کانون می‌آمدم و یا در دیدارها و دیگر برنامه‌ها شرکت می‌کردم، دیدن دوستان جهادی و ایثارگر، یاد و خاطره‌ی شهدایی را برایم زنده می‌کرد که ارزش آن لحظات را حاضر به مقایسه با هیچ ارزش مادی نیستیم. در حقیقت می‌خواهم بگویم که فعالیت در کانون، برای من آرزو بوده و می‌باشد. مدتی قبل از این که به طور رسمی قرار شود وقت بیشتری برای کانون بگذارم، خواب دوستان شهیدم را دیدم که دوستان فعال در کانون مانند آقای طوبا هم حضور

کار بر زمین مانده، بسیار زیاد است و ما در کانون با یک فضای بکر مواجه‌ایم که اگر بتوان هر کاری را انجام داد، خدمتی به سنگرزبان بی‌سنگر با آن اهداف والا است.



دیدار بیست و هفتم

دیدار بیست و هفتم اعضای کانون و خانواده‌ها، در روز پنج‌شنبه
مورخ ۸۹/۰۲/۰۹ در محل همیشگی سالن اجتماعات سازمان
تحقیقات کشاورزی برگزار گردید که گزارش آن در ذیل می‌آید.

مطلب دیگری که مدیرعامل کانون به آن تأکید داشت، تکمیل فرم‌های نظرسنجی بود که تأثیر زیادی در ارتقای کیفی برنامه‌ی دیدار دارد، به طوری که مواردی هم‌چون خاطره‌گویی از شهدا و دعوت از خانواده‌های ایشان، بر همین اساس انجام شده و در این دیدار هم از خانواده‌ی شهید زمانی دعوت شده تا با بیان خاطره از این شهید بزرگوار، محفل را به ذکر شهدای گران‌قدر متبرک کنند.

بعد از این سخنان، نوار سخنرانی آقای رحیم‌پور ازغدی در خصوص شهید آوینی پخش شد و سپس از خانواده‌ی شهید زمانی دعوت شد تا در خصوص شهید زمانی صحبت کنند. سرکار خانم زمانی - فرزند شهید زمانی - بیان نمود که شهید «حاج مصطفی زمانی» در اول اسفند ۱۳۳۷ متولد شد و در اول اسفند ۱۳۸۷ هم در سن پنجاه سالگی به خاک سپرده شد. این شهید در پی فرمان امام برای تشکیل جهاد سازندگی، وارد جهاد شد و مسئولیت جهاد دو شهرستان استان گیلان را برعهده گرفت. شهید زمانی، جوانی رشید و فعال بود که تلاش می‌کرد آن نهضت اصیل در خصوص جهاد سازندگی را که مورد تأکید حضرت امام بود، انجام دهد. در حقیقت، شهید زمانی هیچ‌گاه برای عنوان و منصب فعالیت

برنامه با قرائت قاری نوجوان، برادر «تیک‌باغ» آغاز گردید و سپس مدیرعامل کانون سنگرسازان بی‌سنگر ضمن عرض تسلیت به مناسبت ایام شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) و همچنین یاد شهدایی که در این ایام به شهادت رسیده‌اند مانند شهید آوینی و شهید زمانی، مراسم را آغاز نمود. ایشان با اشاره به صحبت‌های آقای رحیم‌پور ازغدی در خصوص شهید آوینی گفت: «خوشحالیم که بعد از سال‌ها، نقش بچه‌های جهاد در جنگ، بیشتر از قبل مشخص شده؛ سخنرانان حوزه‌ی دفاع مقدس، مرام «حضرت ابوالفضل»ی بچه‌های جهاد را فراموش کرده بودند و همان‌طور که نمی‌شود نقش حضرت ابوالفضل را در واقعه‌ی کربلا، به دلیل این که شهادتش در میدان نبرد نبود و در مأموریت سقایی به شهادت رسید نادیده گرفت، نقش بچه‌های جهاد در دوران دفاع مقدس را هم نباید فراموش کرد و مبلغین آن دوران باید در سخنان خود به این موضوع اهمیت بدهند. هر کس این موضوع را فراموش کند، تا ابد مدیون مرام حضرت ابوالفضل است و کسی حق ندارد نقش سنگرسازان بی‌سنگر که «ابوالفضل»ی‌های دوران دفاع مقدس بودند را نادیده بگیرد.»

نقش بچه‌های جهاد در دوران دفاع مقدس، نباید فراموش شود و مبلغین آن دوران هم باید در سخنان خود به این موضوع اهمیت بدهند.



می کرد. اطرافیان این شهید بزرگوار، دو لقب به او داده بودند: اول «خستگی ناپذیر» و دوم «سردار صبر»؛

در همین اواخر که در بیمارستان شهید شد، دوستی از شرکت سنگرسازان نور در بیمارستان با ایشان ملاقات کرد و شهید زمانی به آن برادر جهادگر توصیه کرد که یک قطعه زمین مورد نظر را بفروشند و درآمد آن را به خانواده‌های شهدا و ایثارگران اختصاص دهند. در یکی از شب‌های قدر که شهید زمانی به علت کسالت نتوانست در مراسم احیا شرکت کند، در دست‌نوشته‌یی که بعد از شهادتش دیدیم نوشته بود: «خدایا، من با ابوالفضلت به در خانه‌ی حسینت می‌روم تا آقا امام حسین ضمانت کند و به من اجازه دهی که در راه خانواده‌ی شهدا و ایثارگران خدمت کنم و این توان را داشته باشم، و از تو می‌خواهم که این فرصت را از من نگیری.» این مطلب نشان می‌دهد که خدمت به ایثارگران، دغدغه‌ی وجودی این شهید بود.

هنگامی که قصد رنگ‌آمیزی و نقاشی منزل را داشتیم، نقاش ساختمان به خانه‌ی ما آمد و مشغول کار شد. آقای نقاش، ابتدا پدرم را نشناخت اما پس از مدتی دیدیم در حال گریه کردن است. از او دلیل را سؤال کردیم و او گفت: شما می‌دانید حاجی کی هست؟ نه، شما حاجی رو نمی‌شناسید. بعد هم گفت: من اصلاً فکر نمی‌کردم حاج مصطفی ویلچری بشه. هم‌چنین تعریف کرد که: من در منطقه، جزو نیروهای حاج مصطفی بودم، وقتی روی بولدورز برای سنگرسازی کار می‌کردیم، گاهی مواردی پیش می‌آمد که اکثر بچه‌ها شهید می‌شدند و کمتر کسی روی دستگاه کار می‌کرد. در این مواقع، تنها کسی که جرئت ادامه‌دادن کار را داشت، حاج مصطفی بود؛ همه می‌گفتند حاجی، شما فرمانده هستی و کار شما نیست ولی حاج مصطفی می‌گفت

نداشت و در کل زندگی، خاضعانه به مردم خدمت کرد. این شهید بزرگوار از همان ابتدا به شهرستان‌ها و روستاها رفته و به امور کشاورزی، فعالیت‌های روستاها و مسائل مردم رسیدگی می‌کرد و در هر کجا، هر کاری که از عهده‌اش برمی‌آمد را انجام می‌داد. با آغاز جنگ تحمیلی، شهید زمانی به عنوان فرماندهی مهندسی - رزمی جنگ جهاد استان گیلان وارد جبهه شد. از آن‌جا که همسر ایشان هم در جهاد بودند، با هم وارد جبهه شدند. شهید زمانی در سال ۱۳۶۳ در عملیات مسلم ابن عقیل، به عنوان فرمانده وارد منطقه شد و در اثر اصابت موشک به خودرو، دچار جراحت سختی شد. اطرافیان به گمان این که وی شهید شده، او را به محل شهدا انتقال دادند. شهید زمانی در خاطراتش گفته که در حال انتقال به سردخانه، متوجه شدند که او زنده است. ایشان ۹ ماه در بیمارستان بستری بود و خانواده‌اش ماه‌ها چشم‌انتظار بهبودی او بودند. بعد از آن هم با توجه به مشکلات جسمی، متأسفانه موفق به ادامه‌ی تحصیل نشد، به طوری که می‌بایست با ویلچر در محل درس حضور یابد و با وجود درد فراوانی که همیشه همراهش بود، نتوانست مدارج علمی را طی نماید. شهید زمانی درد زیادی را تحمل می‌کرد و آن قدر متحمل درد بود که گاهی فریاد «یا ابوالفضل»، «یا حسین» و اسامی سایر ائمه‌ی اطهار را سر می‌داد. اطرافیان از شدت ناراحتی این شهید، گریه می‌کردند و او هم بعد از دلجویی از اطرافیان، می‌گفت: «من هر روز این درد را تحمل می‌کنم و برابرم عادت شده، جای نگرانی برای شما نیست.»

ایشان حدود سی مرتبه عمل جراحی انجام داد و مدت‌های طولانی در بیمارستان بستری بود. اما جالب توجه، این جاست که با وجود مشکلاتی که داشت، حتی در بیمارستان هم برای حل مشکلات مردم تلاش

بخشی از دست‌نوشته‌های شهید زمانی: «خدایا، من با ابوالفضلت به در خانه‌ی حسینت می‌روم تا آقا امام حسین ضمانت کند و به من اجازه دهی که در راه خانواده‌ی شهدا و ایثارگران خدمت کنم و این توان را داشته باشم.»



خبرنامه

۱۰

کانون کنکرت دانش آموزان

شماره ۴۶

بزرگی وجود دارد و یک پرچم یا ابا الفضل العباس هم روی آن نصب شده و خورشید هم تمام عیار به این خیمه می‌تابد.» پس از شنیدن این صحبت، مادرم گریه کرد و گفت: «با این خوابی که دیده شده، حتماً حاج مصطفی شهید می‌شود.» وقتی که حاجی جراحی شد و برگشت، در همان محل که در خواب دیده شده بود، حسینی‌یی احداث کردند که آن را به نام حضرت ابا الفضل العباس نام‌گذاری کردند. دقیقاً بعد از احداث حسینیه، ما به یاد آن خواب افتادیم و دیدیم که واقعاً تمام کارهای حاج مصطفی، برای رضای خدا بوده است.

یکی دیگر از مواردی که می‌شود در مورد حاج مصطفی گفت، این است که او یک جهادگر واقعی بود و کلمه‌ی جهاد، برای او معنای خاصی داشت. حتی در

نه، هیچ فرقی نمی‌کند و همه‌ی ما جهادگریم. یکی دیگر از روحیات شهید زمانی، در راه رضای خدا و فی سبیل‌الله کارکردن او بود. اکثر کارهای حاجی با رویاهایی که دیگران می‌دیدند تعبیر می‌شد. ایشان در سال ۷۲ برای عمل جراحی به انگلستان رفت. پزشک معالج، اعلام کرد که در صورت جراحی، به احتمال بالای هفتاد درصد شما شهید خواهید شد و پدرم گفت: «هر چه رضای خدا باشد، ادامه‌ی این شرایط، دیگر برای من سخت است.» در همان ایام، یک سید سادات که در محله‌ی ما می‌نشستند، به منزل ما آمدند. ما این سید بزرگوار را نمی‌شناختیم و او نمی‌دانست که حاجی در خارج از کشور هست. سید به ما گفت: «من خواب دیدم که در این زمینی که در شهرک هست، خیمه‌ی

شهید زمانی، یک جهادگر واقعی بود و کلمه‌ی جهاد، برای او معنای خاصی داشت. حتی در وصیت‌نامه‌اش هم نوشته که «من را از جهاد تشییع کنید.»



پدر شهید زمانی هم با سلام به حضار، سخنان خود را آغاز کرد و گفت: «خواستم چند جمله از فداکاری همسر شهید زمانی برای تان بگویم. زمانی که آقا مصطفی در عملیات مسلم این عقیل در سومار مجروح شد، او را از منطقه به بیمارستان اسلام‌آباد غرب انتقال دادند. در بیمارستان به گمان این که شهید شده، او را در کنار دیگر اجساد قرار می‌دهند. حاج مصطفی بعد از به هوش آمدن، می‌بیند که دارند شهید را در روکش‌های پلاستیکی قرار می‌دهند. وقتی این را می‌بیند شروع به فریادزدن می‌کند؛ در همین حال رئیس بیمارستان اسلام‌آباد از آن‌جا رد می‌شود و پس از شنیدن صدا، دستور می‌دهد او را به اتاق عمل ببرند. بعد از انجام عمل جزئی هم او را به بیمارستان دیگری انتقال می‌دهند.

در آن‌جا همسر حاج مصطفی مطلع شدند و ما هم در تهران بودیم. در آن موقع، پدر و مادرم تازه از حج آمده بودند و مهمانی داشتیم که در همان حال خبر آمد که حاج مصطفی را به خاطر جراحت به بیمارستان انتقال داده‌اند. چند تن از بستگان به همراه خانواده‌ی آقا مصطفی به شیراز رفته و پس از دیدار با ایشان، او را به تهران انتقال دادند.

حاج مصطفی به بیمارستان فیروزآبادی تهران آمد و ۱۱ ماه در آن‌جا بستری بود. در آن‌جا بیشتر، من و برادرش بالای سر او می‌ماندیم و بعد از مدتی اجازه دادند که همسرش هم برای نگهداری، در بیمارستان بماند.

این مطالب برای آن است که بگویم یک همسر فداکار، چه قدر ارزش دارد. همسر آقا مصطفی ۲۶ سال، شب و روز دور این جانباز چرخید؛ گاهی پیش می‌آمد که شب‌ها تا آقا مصطفی ناله می‌کرد، همسر فداکارش بالای سر او حاضر می‌شد و اگر دارویی می‌خواست یا کار دیگری داشت، انجام می‌داد. بعد هم آن قدر - شاید گاهی یک ساعت یا بیشتر - صبر می‌کرد تا مصطفی خوابش ببرد و بعد می‌رفت و استراحت می‌کرد.

همسر این شهید، ۲۶ سال غذا را آماده می‌کرد و در سینی، روی پاهای آقا مصطفی می‌گذاشت؛ او دو سه قاشق که می‌خورد، دردش شروع می‌شد و گریه و فریاد می‌کرد به طوری که همسایه‌ها می‌شنیدند. همسر این شهید، ۲۶ سال زحمت کشید تا فداکاری را ثابت کند.

این فداکاری به حدی بود که باز هم راضی به شهادت حاج مصطفی نبود و مدام دعا می‌کرد که مصطفی بماند و دختر شهید هم بازگو کرد که بعد از گلایه‌ی شهید، همسرش دست از دعا برای زنده ماندن او برداشت.

خواستم با این صحبت‌ها، گوشه‌یی از فداکاری‌های همسران شهدا را بازگو کنم و به نوبه‌ی خود از این عزیزان، علی‌الخصوص همسر گرامی شهید زمانی تشکر و قدردانی کنم.

وصیت‌نامه‌اش هم نوشته که «من را از جهاد تشییع کنید.» ما هم قصد انجام این کار را داشتیم اما دوستان حاج مصطفی گفتند: «ما معمولاً شهدا را از محل سپاه تشییع می‌کنیم و بهتر است این کار را از همان محل انجام دهیم.» ولی با توجه به تأکید شدید حاج مصطفی به من و اعضای خانواده، ما تشییع جنازه را از مقابل در جهاد آغاز کردیم. باز هم ایشان تأکید داشت که **بر روی سنگ مزارش کلمه‌ی «همه با هم، جهاد سازندگی» درج شود** تا هر کس که قبرش را می‌بیند بداند که باید در کشور اسلامی، همه با هم، دست به دست هم بدهیم و طبق فرمان امام، جهاد کرده و این مملکت را روز به روز آبادتر کنیم.

شهید زمانی دوست داشت که شهدا را از داخل شهر و با آپت تشییع کنند و تأکید داشت که مردم بدانند هنوز کسانی در این جامعه هستند که به خاطر امام، کشور اسلامی و راه شهدا، به شهادت می‌رسند و ادامه‌دهنده‌ی راه شهدا هستند. یک نکته‌ی جالب در مورد شهادت ایشان، این است که در تفاسیر قرآن، داریم که شهدا هفت علت برای سعادت دارند و یکی از آن‌ها این است که قبل از شهادت، جایگاه واقعی خود در آن دنیا را می‌بینند؛ حاج مصطفی هم در یکی دو سال آخر، خواب دوستان شهیدش را می‌دید.

یکی از خواب‌ها این بود که یکی از دوستان صمیمی‌اش را در خواب دیده، به پای او افتاده و گفته بود: «علی، من را با خودت ببر.» دوست حاجی هم گفته بود: «هنوز وقت داری و باید بمانی.» حاج مصطفی از آن روز به بعد مدام به مادر آن شهید زنگ می‌زد و از او می‌خواست که از شهید بخواهد او را ببرد.

چند روز قبل از شهادت هم حاجی خواب دوست شهیدش را دید که در آن، جایگاه خود را دیده بود. دعای ما، باعث نشد که حاجی بماند و در جوارش باشیم. در یک ماه آخری که در بیمارستان بودند، پیوسته از هوش رفته و به هوش می‌آمدند. یک بار که به هوش آمد به مادرم گفت: «من از شما راضی نیستم.» مادرم با کمال تعجب علت را پرسید و حاجی گفت: «من رفتم جایگاه خودم را دیدم و در حال پیوستن به دوستان بودم که شما در وسط پلی که بود، ایستاده بودی و دعا می‌کردی و نگذاشتی که من بروم.»

این شد که مادرم سعی کرد کم‌کم خود را به شهادت ایشان راضی کند و نذرهایی که برای سلامت حاج مصطفی داشت را دیگر برای صحت او در لحظه‌ی شهادت و رضای خودش از شهادت ایشان انجام می‌داد. شهید زمانی در روز ۳۰ بهمن ۸۷ و در لحظه‌ی اذان ظهر، چشمان خود را بست و روز بعد در هنگام اذان ظهر اول اسفند، به خاک سپرده شد. شب اول قبرش هم شب جمعه بود. ان شاء الله راه‌شان پُرره‌رو باشد. در ادامه‌ی برنامه، از پدر شهید زمانی دعوت شد که صحبت‌هایی در خصوص این شهید بزرگوار ارائه نمایند.

پدر شهید زمانی: «فداکاری همسر شهید زمانی به حدی بود که علی‌رغم زحمات زیادی که حاج مصطفی برای او داشت، باز هم راضی به شهادت او نبود و مدام دعا می‌کرد که مصطفی بماند.



گزارش جلسه‌ی اعضای کانون با مسئولین کانون قزوین

گزارش - روح‌الله صالحی

شکل‌گیری کانون استان قزوین به عنوان پایگاهی برای ایثارگران پشتیبانی جنگ جهاد را توضیح داد. سپس آقای طاهرخانی بیان کرد که به علت نداشتن گردان در زمان جنگ و فعالیت به عنوان استان معین، مستنداتی از زمان جنگ در دست نداریم و فقط پرونده‌های ایثارگران موجود است. در عین حال، طی دو سال گذشته در پی تماس با ایثارگران و جمع‌آوری اطلاعات از آن‌ها، کتابی شامل زندگی‌نامه و عکس شهدا تهیه و چاپ شده است. در ادامه آقای طوبا به منظور کمک به تشکیل کانون استان قزوین، فعالان زمان جنگ استان را به آقای طاهرخانی معرفی کرد.



جلسه در ساعت ۹/۳۰ در دفتر امور ایثارگران استان قزوین و با حضور آقایان طاهرخانی، مسئول امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی، آقای طوبا، مسئول امور ایثارگران کانون مرکز و آقای صالحی برگزار شد. در آغاز جلسه، آقای طوبا

خلاصه‌ی از گذشته‌ی پشتیبانی جنگ جهاد را بیان کرد و سپس گزارشی در خصوص فعالیت‌های حال حاضر کانون را تحت پنج عنوان زیر بیان کرد:

- ۱- معاونت فرهنگی و اجتماعی،
 - ۲- معاونت فنی و علمی،
 - ۳- معاونت امور اقتصادی،
 - ۴- معاونت امور استان‌ها،
 - ۵- مؤسسه‌ی فرهنگی.
- در ادامه، آقای طوبا ضرورت

خبرنامه

۱۲

کانون ایثارگران

شماره ۴۶

گزارش ششمین همایش سنگر سازان بی‌سنگر استان اصفهان در شهر کاشان

گزارش - روح‌الله صالحی

سخنان خود بر ضرورت انتقال روحیه، فرهنگ و تجربیات جهاد به نسل‌های بعد و جذب فرزندان ایثارگران در بدنه‌ی جهاد تأکید کرد و در ادامه نیز گزارشی از فعالیت‌های جهاد شهرستان کاشان ارائه نمود.

۴- سخنرانی آقای مهران‌پور، مدیرعامل کانون استان اصفهان؛ ایشان بیان داشت که روحیه‌ی جهادی،



مراسم در ساعت ۱۱/۳۰ صبح پنج‌شنبه مورخ ۸۹/۰۲/۲۳ آغاز گردید که به

شرح ذیل بود:

- ۱- قرائت قرآن،
- ۲- خوش‌آمدگویی توسط حاج آقای کاویانی، مسئول کانون استان اصفهان،
- ۳- سخنرانی آقای

مهندس امانپور، مدیر جهاد کشاورزی شهرستان کاشان؛ جناب آقای امانپور در



همان‌گونه که در گذشته پاسخگوی نیازهای کشور بوده، در حال حاضر و آینده هم مفید خواهد بود. ایشان در ادامه نیز گزارش برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای سال ۸۹ را ارائه کرد که محورهای آن از این قرار است:

- تکمیل اطلاعات و آمار اعضا،
- تداوم برگزاری گردهمایی‌ها،
- دیدار با خانواده‌ی شهیدا و جانبازان،
- انتشار ماهنامه،
- راه‌اندازی سایت کانون،
- برگزاری سفرهای مشهد و شمال،

- حضور هیئت‌مدیره در محل کانون جهت پاسخویی به مراجعان.

۵- برنامه‌ی بعدی، خاطره‌گویی جناب آقای شکرآرا بود.

۶- سپس آقای مهندس امامی در خصوص قوانین معافیت و کسر خدمت خانواده‌های ایثارگران صحبت کردند.

۷- برگزاری نماز جماعت و صرف ناهار،

۸- خاطره‌گویی به صورت داوطلبانه و غیررسمی.

این گردهمایی علاوه بر برگزاری در محل مناسب و پُرنشاط، دارای تنوع و برنامه‌ریزی مناسب هم بود. در حاشیه‌ی این گردهمایی هم صحبت‌هایی به صورت غیررسمی با مهندس میرآبی، مهندس کاویانی، مهندس مهران‌پور، آقای درستکار، آقای صلواتی و دیگر برادران جهادی انجام شد.





برگزاری همایش یکصد شهید جهادگر استان همدان

گزارش - محمدعلی حیدری دلگرم



در تاریخ ۸۹/۰۲/۲۲ و در بیست و دومین سالروز شهادت برادر «عباس پورش همدانی»، فرماندهی تیپ ۱۸ مهندسی الغدير جهاد سازندگی استان همدان، مراسم یادبودی با حضور بیش از پانصد نفر از هم‌زمان و سنگرزبان بی‌سنگر این استان در سالن باشگاه معلم همدان برگزار گردید. این یادواره که به همت کلبه‌ی فرماندهان و به‌ویژه حمایت امور ایثارگران جهاد کشاورزی برپا شده بود، به صورتی در خور شأن ایثارگران برگزار گردید. حضور معاون سیاسی استاندار، امام‌جمعه‌ی همدان، ریاست سازمان جهاد کشاورزی، فرماندار شهر همدان و مسئولین کانون استان در این مراسم، نشان از مراتب اهمیت آن داشت.

دعوت از کلبه‌ی سنگرزبان بی‌سنگر، به وسیله‌ی پیامک و دعوت از مسئولین، با نامه انجام شده بود. در این مراسم، ابتدا با تلاوت آیات قرآن، دل‌ها منور گشت و سرود جمهوری اسلامی ایران نواخته شد که به پاس شهیدان، همه برخاسته، ادای احترام کرده و سرود را همراهی کردند. سپس با خوش‌آمدگویی مدیرعامل کانون همدان، جلسه‌ی خاطره‌گویی آغاز شد. به یاد عملیات بیت‌المقدس و تقارن با زمان عملیات و یاد شهیدان باقیان و طوبی، خاطره‌ی بسیار جالبی از جاده‌ی علاوان به سردشت که در مورد تویوتای آبکش‌شده بود بیان شد. سپس نماهنگی از ایثارگران جهاد سازندگی استان خوزستان پخش شد که جلسه را به فضای معنوی

خبرنامه

۱۴

کانون سنگرزبان بی‌سنگر

شماره ۴۶



کشاند. سپس سردار طلاکوب، از فرماندهان هشت سال دفاع مقدس، درباره‌ی عملکرد تیپ مهندسی ۱۸ الغدير همدان در منطقه‌ی سردشت و به‌ویژه فداکاری‌های شهید حاج عباس پورش همدانی، صحبت نمود. بعد هم برادر دلگرم، درباره‌ی نحوه‌ی هماهنگی جهاد و سپاه در عملیات‌های مختلف صحبت کرد و خاطراتی از جاده‌ی آلواتان، جاده‌ی زندان دوله‌تو، جنگل‌های آلواتان، ارتفاعات بوالفتح و سولکوه و مأموریت‌های جهاد همدان در جبهه‌های جنوب، همراه با شهید خرازی، فرمانده‌ی لشکر امام حسین(ع) بیان نمود.



در این یادواره، خاطره‌ی شهیدان مهندس غنی‌زادگان و زراعتی که به همراه حاج عباس پورش همدانی به شهادت رسیده بودند نیز گرامی داشته شد. آن‌گاه فیلم شهید حاج عباس پورش همدانی که شامل سیر زندگی ایشان بوده و توسط گروه روایت فتح ساخته شده بود پخش گردید. در محل ورودی این یادواره، تصاویر شهدای سنگرساز بی‌سنگر نصب شده بود که یاد آن‌ها، یک فضای معنوی را برای حضار ایجاد می‌کرد.



بر اساس نظرسنجی، کلیه‌ی شرکت‌کنندگان، خواستار تداوم این یادواره به صورت فصلی شده و بیشتر طالب این موضوع بودند که برای جوانان و خانواده‌ها هم چنین مراسمی برگزار گردد. در پایان هم حضار به مسجد امام رضا(ع) رفته و نماز جماعت مغرب و عشا را برپا نمودند.



جلسات اعضای کانون مرکز با مسئولین کانون‌های استان‌های زنجان، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی

گزارش - روح‌الله صالحی



خبرنامه

۱۶

کانون سراسری دانشکده

شماره ۴۶

جلسه با مسئولین کانون سنگرزبان بی‌سنگر استان زنجان (سه‌شنبه ۸۹/۰۱/۳۱)

حاضرین: آقایان مهندس مهدی‌خانی (رئیس هیئت‌امنا)، مهندس پیری (رئیس کانون)، مهندس مقدم (دبیر اجرایی کانون)، آقای طوبا (مسئول امور استان‌ها در کانون مرکز) و آقای صالحی.

در ابتدای جلسه آقای طوبا گزارشی در مورد فعالیت‌های انجام‌شده و در حال انجام کانون مرکز را ارائه داد که به صورت خلاصه شامل: ۱. کمیسیون اقتصادی، ۲. معاونت فرهنگی و اجتماعی، ۳. مؤسسه فرهنگی، ۴. معاونت فنی و علمی و ۵. امور استان‌ها بود.

ضمناً در مورد سایت، تدوین فرهنگ جهادی و تدوین جزوه‌های آموزشی نیز توضیحاتی ارائه شد. در ادامه، مسئولین کانون استان زنجان نیز صحبت‌هایی بیان داشتند که خلاصه‌ی آن به شرح زیر است:

- ۱- ارتقای خدمات مربوط به کارت عضویت کانون، به صورت کمی و کیفی مانند خدمات مسافرت، درمان، بیمه و ...
- ۲- می‌بایست اولویت فعلی کانون، انجام فعالیت‌های اقتصادی باشد تا امکان تأمین هزینه برای سایر فعالیت‌ها میسر شود. در عین حال باید از فرصت و زمان، نهایت استفاده را برد زیرا در حال حاضر افرادی مانند سردار فیروزآبادی و رحیم‌صفوی،

نیروهای پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد را می‌شناسند، اما با تغییر این افراد، کار ما بسیار سخت‌تر خواهد شد، ۳- از توانمندی استان‌ها باید نهایت استفاده را برد؛ به طور نمونه، فضای بزرگی که در حال حاضر در اختیار ماست، باید تغییر کاربری داده شده و در آن ساخت و ساز انجام گیرد، ۴- در جلسه‌ی استان‌ها، باید اولویت صحبت با مسئولین استان‌ها باشد، نه این که به صورت ثابت، سخنرانی‌هایی انجام شود و در انتها هم وقت کمی به مسئولین استان‌ها داده شود،

۵- در خبرنامه، صحبت‌هایی مربوط به مسئولین استان‌ها، چه در جلسه‌ی استان‌ها و چه در سایر موارد، به تفصیل ذکر شود، ۶- ارتباط بین استان‌ها، به صورت منطقه‌ای شکل بگیرد، ۷- توانمندتر شدن استان‌ها، به این صورت که حیطه‌ی اختیارات مسئولین استان‌ها افزایش یابد و کانون مرکز، حمایت مادی و معنوی بیشتری را لحاظ کند، ۸- ده درصد از سهام جهادهای نصر، به کانون استان‌ها تعلق گیرد،

۹- در جلسه‌ی انتخاب هیئت‌مدیره‌ی کانون مرکز، هر نامزد ده دقیقه حق صحبت داشته باشد. ضمناً فضای متعلق به کانون استان زنجان، علاوه بر فضای اداری، شامل یک سوله‌ی بسیار بزرگ و یک محوطه‌ی بزرگ می‌باشد.



۴- بعضی از قول‌هایی که توسط مرکز داده شده، انجام نشده که شامل این موارد می‌باشد:

الف: کمک مالی،

ب: پیگیری ساختمان کانون استان که دو سال است به تعویق افتاده.

۵- در جلسه‌ی استان‌ها، اولویت صحبت با مسئولین استان‌ها باشد.

پس از اتمام جلسه، جلسه‌ی در حضور آقای جلیلی، مدیر کل امور عشایر استان که اتاق فعلی کانون در آن‌جا واقع است برگزار شد و ایشان قول همکاری و مساعدت بیشتر را دادند.

در ادامه با آقایان مطلب‌نژاد و درگاهی هم جلسه‌ی برگزار شد که ایشان نیز قول هر گونه همکاری را دادند. هم‌چنین نمونه‌ی از محصولات فرهنگی کانون به ایشان و متقابلاً هم نمونه‌ی از فعالیت‌های فرهنگی امور ایثارگران آن استان به کانون مرکز اهدا شد.

در ادامه، نشستی به صورت اتفاقی در محل نمازخانه‌ی جهاد استان با حضور آقای مولایی، سان‌کهن و طوبا برگزار شد که آقای سان‌کهن در مورد واگذاری ساختمان کانون استان، به آقای مولایی تأکید کرده و در عین حال قول دادند که در یک جلسه در محل کانون مرکز، حضور یابند.

در تمام صحبت‌های صورت گرفته، توضیحاتی در مورد کانون سنگسازان بی‌سنگر و فعالیت‌های آن ارائه شد.

مراسم یادواره‌ی شهدای سنگساز بی‌سنگر هم با محوریت امور ایثارگران جهاد استان برگزار گردید. در ساعت ۹ صبح روز پنج‌شنبه، آقایان دکتر محمدیان، دکتر فلسفی، مهندس شاطری، دکتر رئوف، مهندس حسین‌نژاد و جمعی دیگر از مسئولین، به مقبره‌ی شهدای شهر تبریز رفته و پس از قرائت فاتحه بر سر مزار مهندس بهروز پورشریفی و سایر شهدا، به طرف مسجد طوبی که محل برگزاری یادواره بود حرکت کردند. در حیاط مسجد، تمثال شهیدان مهندس پورشریفی

جلسه با مسئولین کانون استان آذربایجان غربی (چهارشنبه ۸۹/۰۲/۰۱)

حاضرین: آقایان ابراهیمی (مسئول کانون)، طوبا (مسئول امور استان‌ها در کانون مرکز) و صالحی.

ضمناً در جلسات بعدی، آقایان مطلب‌نژاد (کارشناس امور ایثارگران)، درگاهی (مسئول امور ایثارگران استان)، مولایی (معاون اداری و مالی سازمان جهاد کشاورزی استان) و سان‌کهن (مسئول امور استان‌ها) نیز حضور داشتند.

در ابتدای جلسه، توسط آقای طوبا گزارشی در مورد فعالیت‌های کانون ارائه شد که در گزارش مربوط به زنجان، ذکر شده است.

سپس آقای ابراهیمی شروع به صحبت کردند که خلاصه‌ی آن بدین شرح است:

۱- چون شرکت‌های ایثارگری عمدتاً ورشکست شده‌اند، در این‌جا ذهنیت خوبی از این شرکت‌ها وجود ندارد،

۲- از سال ۸۶ تا به حال، تمام هزینه‌های کانون و تردد از شهر نقده به ارومیه و بالعکس را شخصاً پرداخت کرده‌ام،

۳- قسمتی از سهام شرکت‌های نصر استان، به کانون واگذار شود. (رئیس نصر استان، آقای حسن‌لو می‌باشد که انجام این امر را منوط به پذیرش مسئولین مؤسسه‌ی نصر مرکز دانسته‌اند).

شرح سفر به استان آذربایجان شرقی (پنج‌شنبه ۸۹/۰۲/۰۲)

در این استان به علت تراکم کاری جهت برگزاری یادواره‌ی شهدای سنگسازان بی‌سنگر، جلسه‌ی برنامه‌ریزی شده‌ی برگزار نشد، اما صحبت‌هایی با برخی از مسئولین صورت پذیرفت که عبارت‌اند از: آقای حسین‌نژاد (مسئول کانون استان)، دکتر رئوف (مسئول امور ایثارگران جهاد استان)، دکتر فلسفی (مشاور وزیر جهاد کشاورزی) و دکتر محمدیان (رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان).





و مهندس کسای و ماکت ابتکارات نیروهای پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان قرار داده شده و در اطراف مسجد هم عکس شهدا و نمایشگاه دستاوردهای نیروهای پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد نصب شده بود. ریز برنامه‌های یادواره هم به این شرح می‌باشد:

- ۱- تلاوت قرآن،
- ۲- عرض خیرمقدم و تبیین اهداف یادواره توسط دکتر محمدیان،
- ۳- قرائت اشعار حماسی توسط استاد نقیب،
- ۴- مداحی توسط آقای مهدی خادم‌آذریان،
- ۵- اجرای تواشیح خوانی،
- ۶- سخنرانی دکتر فلسفی،
- ۷- سخنرانی سردار پورجمشیدیان، فرماندهی محترم سپاه عاشورا.

دکتر فلسفی در صحبت‌های خود به ضرورت جمع‌آوری اسناد فعالیت‌های انجام‌شده توسط نیروهای پشتیبانی جنگ جهاد، به منظور ارائه به مراکز آموزشی اشاره نمود و سردار پورجمشیدیان هم از پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد به عنوان یکی از سه رکن جنگ نام برد و عدم اشاره به این موضوع را بی‌انصافی دانست.



خبرنامه

۱۸

کانون کنکرت‌های دانش

شماره ۴۶



برگزاری همایش یاران خورشید - ایثارگران جهاد مازندران



کانون سنگرزبان بی‌سنگر استان مازندران، همایش یک‌روزه‌ی را در تاریخ ۸۹/۰۱/۲۶ در بابل‌سر و تحت عنوان محفل یاران خورشید برگزار کرد.

در این همایش علاوه بر فرماندهان گردان مهندسی ۱۰ ال‌هادی، جهادگران ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد مازندران و چند تن از جهادگران باسابقه‌ی سایر استان‌ها هم حضور داشتند.

این برنامه با قرائت قرآن و سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. سپس مجری برنامه با خواندن اشعاری در وصف سنگرزبان بی‌سنگر و ضمن خیرمقدم به شرکت‌کنندگان، از جناب آقای باقرزاده، عضو هیئت‌مدیره‌ی کانون مازندران خواست سخنرانی نمایند. آقای باقرزاده هم ضمن خوش‌آمدگویی به حضار، هدف این‌گونه برنامه‌ها را دیدار جهادگران دانست و با اشاره به نام‌گذاری سال از طرف مقام معظم رهبری به سال همت و تلاش مضاعف، روحیه‌ی جهادی و حضور سنگرزبان بی‌سنگر به عنوان پیش‌کسوتان عرصه‌ی جهاد را برای سازندگی کشور، بسیار مؤثر دانست. ایشان سپس چند خاطره از دوران دفاع مقدس و ایثار جهادگران، علی‌الخصوص نیروهای پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد مازندران بیان داشت.

سپس برادر دلگرم، مسئول کانون همدان که از مهمانان این مراسم بود، صحبت‌هایی در خصوص جهاد سازندگی و لزوم ادامه‌دادن این راه بیان داشت. ایشان با بیان خاطراتی از دوران دفاع مقدس، فعالیت‌های جهاد سازندگی در آن دوران را یکی از عوامل پیروزی لشگریان اسلام دانست و گفت: «حفظ یاد و خاطره‌ی جهاد و شهدای جهاد، بر همه‌ی ما واجب است و باید بکوشیم یاد آن دوران را به نحو احسن در اذهان زنده نگه داریم.»

بعد از آقای دلگرم، دیگر اعضای کانون مازندران صحبت کرده و ضمن بیان مشکلات کانون، درباره‌ی لزوم ادامه‌ی راه شهدا، برگزاری بیشتر این مراسم و موارد دیگر، نکاتی را بیان نمودند.



خبرنامه

۱۹

کانون سنگرزبان

شماره ۴۶



تصویر: جهادگران زنجان

توضیح: سال‌هاست که از دوران دفاع مقدس می‌گذرد، اما خاطرات آن دوران طلایی، به قدری شیرین است که یادآوری‌اش، هر لحظه احساس آرامش به همراه دارد. در آن روزهای سخت، این هم‌دلی‌ها و دوستی‌ها بود که اجازه نمی‌داد خستگی در انسان راه پیدا کند. شاید در حال حاضر، ارتباط دوستانِ زمانِ جنگ کم باشد، اما صمیمیت آن دوران، هیچ‌گاه کم نشده و همان حال، بین آن یادگاران باقی است. خبرنامه در نظر دارد با چاپ عکس‌های یادگاری از دوران حماسه، یاد آن روزهای شیرین را زنده نگه دارد. در همین رابطه از خوانندگان تقاضا می‌شود هر کدام از جهادگران این تصویر را که می‌شناسند، بر اساس شماره‌بی که روی تصویر آنان نوشته شده و شمارهٔ خبرنامه که در شناسنامهٔ آن آمده، به دست‌اندرکاران خبرنامه معرفی نمایند تا در شمارهٔ بعدی، اسامی آن عزیزان منعکس شود.